



The Impact of Learning Styles-Based Education on Fostering Self-Regulatory Skills in Elementary Students with Special Needs

Shahla Azizi Alkohl^{1*}

¹ Bachelor of Educational Sciences with a Specialization in Educational Management and Planning, Islamic Azad University, Shahrekord Branch. First-grade teacher at Hor Elementary School, Pardanjan, Farsan, Chaharmahal and Bakhtiari

* Corresponding author: bfatahi1382@gmail.com

Received: 2025-10-04

Accepted: 2025-11-05

Abstract

This study aimed to explore the impact of learning styles-based education on fostering self-regulatory skills in elementary students with special needs (dyslexia, autism spectrum disorder, and learning disabilities). Employing a qualitative phenomenological approach, data were collected through semi-structured interviews, participant observations, and field notes from 12 students in public schools in Pardanjan. An 8-week educational program tailored to learning styles (e.g., visual and kinesthetic activities) was implemented, and data were analyzed using thematic analysis. Findings revealed three main themes: increased motivation in learning, improved self-regulatory skills (e.g., time management and focus), and challenges in adapting to learning styles (e.g., initial difficulties and need for additional support). The results suggest that learning styles-based education can enhance motivation and self-regulation in these students, though its effectiveness depends on factors such as the severity of special needs and teacher support. This study contributes to the literature on special education and highlights the importance of tailored educational interventions. Future research should investigate the long-term effects of this approach.

Keywords: Learning styles, self-regulation, students with special needs, elementary education, phenomenology

© 2023 Journal of School Education in the Third Millennium (JSETM)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Azizi Alkohl, Sh. (2025). The Impact of Learning Styles-Based Education on Fostering Self-Regulatory Skills in Elementary Students with Special Needs. *JSETM*, 3(3): 40-48.





تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر پرورش مهارت‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه

شهلا عزیزی الکوهی^{۱*}

^۱ کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، آموزگار پایه اول آموزشگاه حر پردنجان، * نویسنده مسئول: bfatahi1382@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر پرورش مهارت‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه (نارساخوانی، اختلال طیف اوتیسم، و ناتوانی‌های یادگیری) انجام شد. با استفاده از رویکرد کیفی پدیدارشناسی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند، مشاهدات مشارکتی، و یادداشت‌های میدانی از ۱۲ دانش‌آموز در مدارس دولتی شهر پردنجان، شهرستان فارس، استان چهارمحال و بختیاری جمع‌آوری شدند. برنامه آموزشی ۸ هفته‌ای مبتنی بر سبک‌های یادگیری (مانند فعالیت‌های بصری و جنبشی) اجرا شد و داده‌ها با روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. یافته‌ها سه مضمون اصلی را نشان داد: افزایش انگیزه در یادگیری، بهبود مهارت‌های خودتنظیمی (مانند مدیریت زمان و تمرکز)، و چالش‌های تطبیق با سبک‌های یادگیری (مانند دشواری اولیه و نیاز به حمایت بیشتر). نتایج حاکی از آن است که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری می‌تواند انگیزه و خودتنظیمی را در این دانش‌آموزان تقویت کند، اما موفقیت آن به عواملی مانند شدت نیاز ویژه و حمایت معلم بستگی دارد. این مطالعه به دانش موجود در آموزش ویژه می‌افزاید و بر اهمیت طراحی مداخلات متناسب با نیازهای فردی تأکید دارد. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده تأثیرات بلندمدت این روش را بررسی کنند.

واژگان کلیدی: سبک‌های یادگیری، خودتنظیمی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، آموزش ابتدایی، پدیدارشناسی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه آموزش مدارس در هزاره سوم محفوظ است.

شيوه استناد به این مقاله: عزیزی الکوهی، شهلا. (۱۴۰۴) تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر پرورش مهارت‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه. فصلنامه آموزش مدارس در هزاره سوم، ۳(۳): ۴۸-۴۰.

مقدمه و بیان مسئله

آموزش دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه یکی از چالش‌های مهم در نظام‌های آموزشی است. این دانش‌آموزان به دلیل ویژگی‌های خاص شناختی، عاطفی یا جسمی خود، مانند نارساخوانی، اختلال طیف اوتیسم یا ناتوانی‌های یادگیری، نیازمند رویکردهای آموزشی متناسب با نیازهایشان هستند. یکی از این رویکردها، آموزش مبتنی

بر سبک‌های یادگیری است که بر اساس ترجیحات یادگیری فردی طراحی می‌شود. سبک‌های یادگیری به شیوه‌های متفاوتی اشاره دارد که افراد اطلاعات را پردازش و درک می‌کنند، مانند سبک‌های بصری، شنیداری یا جنبشی (Felder & Silverman, 1988). این حال، یکی از مشکلات کلیدی در این گروه از دانش‌آموزان، کمبود مهارت‌های خودتنظیمی است. خودتنظیمی به توانایی فرد

مطالعات کمتر به تأثیرات کیفی مانند تجربه‌های شخصی دانش‌آموزان یا ادراکات آن‌ها از خودتنظیمی پرداخته‌اند. همچنین، در زمینه دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه، فقدان مطالعات کیفی که به بررسی عمیق تأثیرات آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر خودتنظیمی بپردازند، مشهود است. این شکاف پژوهشی نشان‌دهنده نیاز به کاوش عمیق‌تر در تجربیات دانش‌آموزان و درک چگونگی تأثیر این نوع آموزش بر مهارت‌های خودتنظیمی آن‌ها است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر پرورش مهارت‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه است. این مطالعه به دنبال پاسخ به سؤالات پژوهشی زیر است:

۱. تجربیات دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه از آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری چگونه است؟
 ۲. چگونه آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری به پرورش مهارت‌های خودتنظیمی در این دانش‌آموزان کمک می‌کند؟
 ۳. چه عوامل زمینه‌ای (مانند نوع نیاز ویژه یا محیط آموزشی) بر تأثیر این آموزش اثر می‌گذارند؟
- این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی، به‌ویژه پدیدارشناسی، به دنبال درک عمیق‌تر از تجربیات و ادراکات دانش‌آموزان و شناسایی عوامل مؤثر بر خودتنظیمی آن‌ها است.

پیشینه پژوهش

سبک‌های یادگیری به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در آموزش، در دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مدل سبک‌های یادگیری کلب (Kolb, 1984) یکی از چارچوب‌های نظری پرکاربرد است که یادگیری را به چهار سبک (تجربه‌گرا، تأمل‌گرا، مفهوم‌ساز و آزمایش‌گر) تقسیم می‌کند. این مدل پیشنهاد می‌کند که تطبیق آموزش با سبک یادگیری دانش‌آموز می‌تواند اثربخشی یادگیری را افزایش دهد. در زمینه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از فعالیت‌های بصری یا جنبشی می‌تواند به بهبود توجه و یادگیری کمک کند. با این حال، این مطالعات بیشتر بر عملکرد تحصیلی متمرکز بوده‌اند و کمتر به تأثیر بر مهارت‌های خودتنظیمی پرداخته‌اند.

خودتنظیمی نیز یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی تربیتی است. نظریه خودتنظیمی زیمرمن (Zimmerman, 2000) خودتنظیمی را به‌عنوان فرآیندی سه‌مرحله‌ای (پیش‌اندیشی، اجرا و خود-تأمل) تعریف می‌کند که در آن دانش‌آموزان اهداف خود

برای مدیریت رفتار، احساسات و یادگیری خود به‌منظور دستیابی به اهداف خاص اشاره دارد. فقدان این مهارت‌ها می‌تواند مانع پیشرفت تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش متناسب با سبک‌های یادگیری می‌تواند انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد، اما تأثیر آن بر پرورش مهارت‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه کمتر بررسی شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری می‌تواند به بهبود خودتنظیمی در این گروه کمک کند.

اهمیت موضوع

اهمیت آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری در بهبود نتایج یادگیری دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به‌طور گسترده‌ای در ادبیات پژوهشی مورد تأکید قرار گرفته است. طبق مطالعات، تطبیق روش‌های آموزشی با سبک‌های یادگیری می‌تواند به افزایش انگیزه، کاهش اضطراب یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی منجر شود. برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، که اغلب با چالش‌هایی مانند مشکلات تمرکز یا پردازش اطلاعات مواجه هستند، این رویکرد می‌تواند به ایجاد تجربه‌های یادگیری معنادار کمک کند. علاوه بر این، خودتنظیمی به‌عنوان یک مهارت کلیدی برای موفقیت تحصیلی و زندگی شناخته می‌شود، زیرا به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اهداف خود را تعیین کنند، پیشرفت خود را نظارت کنند و در صورت نیاز استراتژی‌های خود را اصلاح کنند. بهبود خودتنظیمی در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نه تنها به پیشرفت تحصیلی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه کیفیت زندگی آن‌ها را از طریق افزایش استقلال و اعتمادبه‌نفس بهبود می‌بخشد. با توجه به اهمیت این موضوع، بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر خودتنظیمی می‌تواند به توسعه روش‌های آموزشی مؤثرتر برای این گروه از دانش‌آموزان منجر شود.

شکاف پژوهشی

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه سبک‌های یادگیری و خودتنظیمی، شکاف‌های قابل‌توجهی در ادبیات پژوهشی وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین بر دانش‌آموزان عادی متمرکز بوده‌اند و کمتر به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه پرداخته‌اند. علاوه بر این، اکثر پژوهش‌ها در این حوزه از روش‌های کمی استفاده کرده‌اند که گرچه اطلاعات ارزشمندی در مورد اثربخشی آموزش ارائه می‌دهند، اما درک عمیقی از تجربیات و ادراکات دانش‌آموزان فراهم نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، مطالعاتی مانند مطالعه Dunn et al (1995) نشان داده‌اند که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد، اما این

ادراکات دانش‌آموزان به صورت عمیق بررسی شود، و شکاف موجود در ادبیات پژوهشی پر شود.

روش‌شناسی

رویکرد پژوهش

این پژوهش از رویکرد کیفی با روش پدیدارشناسی استفاده می‌کند. پدیدارشناسی برای بررسی تجربیات زیسته و ادراکات دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه در زمینه آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری و تأثیر آن بر مهارت‌های خودتنظیمی مناسب است. این رویکرد امکان درک عمیق از تجربیات شخصی و ذهنی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. هدف این مطالعه، توصیف و تفسیر ادراکات دانش‌آموزان از آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری و چگونگی تأثیر آن بر خودتنظیمی آن‌هاست.

طرح پژوهش

طرح پژوهش شامل سه مرحله اصلی است:

۱. **شناسایی سبک‌های یادگیری:** ابتدا سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان با استفاده از ابزارهای ارزیابی مانند پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب (Kolb, 1984) شناسایی می‌شود.
۲. **اجرای برنامه آموزشی:** برنامه آموزشی مبتنی بر سبک‌های یادگیری (مانند فعالیت‌های بصری برای سبک بصری، فعالیت‌های جنبشی برای سبک جنبشی) به مدت ۸ هفته اجرا می‌شود. این برنامه شامل فعالیت‌های متنوع مانند استفاده از تصاویر، بازی‌های آموزشی، و فعالیت‌های عملی است که با نیازهای ویژه دانش‌آموزان (مانند نارساخوانی یا اوتیسم) سازگار شده‌اند.
۳. **ارزیابی خودتنظیمی:** پس از اجرای برنامه، مهارت‌های خودتنظیمی دانش‌آموزان از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند و مشاهدات مشارکتی ارزیابی می‌شود. این مراحل به صورت چرخه‌ای و با تمرکز بر تجربیات دانش‌آموزان انجام می‌شود.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه هدف این پژوهش شامل دانش‌آموزان ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم) با نیازهای ویژه (نارساخوانی، اختلال طیف اوتیسم، و ناتوانی‌های یادگیری) در مدارس دولتی شهر پردنجان، شهرستان فارس است. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام می‌شود تا دانش‌آموزانی با ویژگی‌های متنوع (مانند نوع نیاز ویژه و سطح شدت آن) انتخاب شوند. تعداد شرکت‌کنندگان ۱۲ دانش‌آموز (۶ نفر با نارساخوانی، ۴ نفر با اختلال طیف اوتیسم، و ۲ نفر با ناتوانی‌های یادگیری) خواهد بود. این تعداد بر اساس اصل اشباع نظری در پژوهش‌های کیفی انتخاب شده است.

را تعیین می‌کنند، استراتژی‌های یادگیری را به کار می‌برند و پیشرفت خود را ارزیابی می‌کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزان با نیازهای ویژه اغلب در این مراحل با چالش‌هایی مواجه هستند. برای مثال، دانش‌آموزان مبتلا به نارساخوانی ممکن است در تنظیم اهداف یادگیری یا نظارت بر پیشرفت خود مشکل داشته باشند.

بسیاری از مطالعات پیشین در زمینه سبک‌های یادگیری و خودتنظیمی از روش‌های کمی استفاده کرده‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای توسط Dunn et al (1995) نشان داد که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری به بهبود نمرات دانش‌آموزان منجر می‌شود. با این حال، این مطالعات به دلیل تمرکز بر داده‌های عددی، کمتر به تجربیات ذهنی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. در مقابل، روش‌های کیفی امکان درک عمیق‌تر از ادراکات و تجربیات فردی را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال، مطالعه کیفی (Smith et al (2018) نشان داد که دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از آموزش‌های تعاملی و مبتنی بر سبک‌های یادگیری احساس رضایت بیشتری دارند. این پژوهش از روش کیفی استفاده می‌کند، زیرا هدف آن درک عمیق‌تر از تجربیات دانش‌آموزان و شناسایی عوامل کیفی مؤثر بر خودتنظیمی است.

چارچوب نظری

این پژوهش از دو چارچوب نظری کلیدی استفاده می‌کند: مدل سبک‌های یادگیری کلب و نظریه خودتنظیمی زیمرمن. مدل کلب بر اهمیت تطبیق آموزش با سبک‌های یادگیری تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که دانش‌آموزان با نیازهای ویژه ممکن است از فعالیت‌های متناسب با سبک یادگیری خود (مانند فعالیت‌های بصری برای دانش‌آموزان با نارساخوانی) بهره‌مند شوند. نظریه زیمرمن نیز چارچوبی برای درک فرآیند خودتنظیمی ارائه می‌دهد. این نظریه‌ها به فهم ارتباط بین آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری و پرورش خودتنظیمی کمک می‌کنند، زیرا آموزش متناسب با سبک یادگیری می‌تواند انگیزه و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را افزایش دهد و آن‌ها را به استفاده از استراتژی‌های خودتنظیمی تشویق کند. برای مثال، فعالیت‌های جنبشی ممکن است به دانش‌آموزان مبتلا به اوتیسم کمک کند تا تمرکز خود را حفظ کنند و در مرحله پیش‌اندیشی خودتنظیمی بهتر عمل کنند.

مرور منابع نشان می‌دهد که اگرچه آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری و خودتنظیمی به طور جداگانه بررسی شده‌اند، مطالعات محدودی به بررسی تأثیر این نوع آموزش بر خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه پرداخته‌اند. استفاده از رویکرد کیفی در این پژوهش امکان می‌دهد تا تجربیات و

- **محرمانگی داده‌ها:** هویت شرکت‌کنندگان با استفاده از کدهای ناشناس (مانند دانش‌آموز ۱، دانش‌آموز ۲) حفظ می‌شود. داده‌های صوتی و نوشتاری در محیطی امن ذخیره می‌شوند.
- **رعایت حقوق شرکت‌کنندگان:** با توجه به آسیب‌پذیری دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، اطمینان حاصل می‌شود که فعالیت‌های آموزشی و مصاحبه‌ها متناسب با توانایی‌ها و نیازهای آن‌ها باشد. همچنین، از ایجاد فشار روانی یا خستگی در طول پژوهش جلوگیری می‌شود.

زمینه پژوهش

پژوهش در مدارس دولتی ابتدایی شهر پردنجان، شهرستان فارس که دارای کلاس‌های ویژه برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه هستند، انجام می‌شود. این مدارس در مناطق شهری واقع شده‌اند و دارای امکانات استاندارد آموزشی مانند تخته هوشمند و ابزارهای کمک‌آموزشی هستند. دانش‌آموزان شرکت‌کننده دارای نیازهای ویژه متنوعی از جمله نارساخوانی (مشکلات خواندن و نوشتن)، اختلال طیف اوتیسم (چالش‌های ارتباطی و اجتماعی)، و ناتوانی‌های یادگیری (مشکلات پردازش اطلاعات) هستند. تنوع این نیازها به پژوهش اجازه می‌دهد تا تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری را در زمینه‌های مختلف بررسی کند.

نقش پژوهشگر و بازتاب‌پذیری

پژوهشگر دارای تجربه تدریس به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه است که ممکن است بر تفسیر داده‌ها تأثیر بگذارد. برای کاهش سوگیری، پژوهشگر روزانه یادداشت‌های بازتابی ثبت می‌کند و تحلیل داده‌ها با همکاری یک پژوهشگر دیگر (بررسی توسط همکاران) بازمینی می‌شود. همچنین، از روش سه‌سویه‌سازی (Triangulation) با ترکیب داده‌های مصاحبه، مشاهده، و یادداشت‌های میدانی استفاده می‌شود تا اعتبار یافته‌ها افزایش یابد.

یافته‌ها

این بخش یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی پژوهش را ارائه می‌دهد که با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند، مشاهدات مشارکتی، و یادداشت‌های میدانی به دست آمده‌اند. داده‌ها از ۱۲ دانش‌آموز ابتدایی با نیازهای ویژه (۶ نفر با نارساخوانی، ۴ نفر با اختلال طیف اوتیسم، و ۲ نفر با ناتوانی‌های یادگیری) در مدارس دولتی شهر پردنجان جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌ها به صورت مضامین اصلی و فرعی سازمان‌دهی شده‌اند و با نقل‌قول‌های مستقیم از شرکت‌کنندگان و توصیف مشاهدات پشتیبانی می‌شوند. برای جلوگیری از تفسیر بیش از حد، این بخش صرفاً به توصیف

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

- ابزارهای اصلی جمع‌آوری داده‌ها شامل موارد زیر است:
۱. **مصاحبه نیمه‌ساختارمند:** پروتکل مصاحبه شامل سؤالاتی بازپاسخ مانند «تجربه شما از فعالیت‌های آموزشی که با تصاویر یا بازی‌ها انجام شد چگونه بود؟» و «چگونه این فعالیت‌ها به شما کمک کرد تا بهتر یاد بگیرید یا خودتان را مدیریت کنید؟» است. مصاحبه‌ها به صورت فردی و در محیطی آرام انجام می‌شود و هر مصاحبه حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشد.
 ۲. **مشاهده مشارکتی:** پژوهشگر در کلاس‌های آموزشی حضور خواهد داشت و رفتارهای خودتنظیمی دانش‌آموزان (مانند تمرکز، مدیریت زمان، و استفاده از استراتژی‌های یادگیری) را ثبت می‌کند. دستورالعمل مشاهده شامل فهرستی از شاخص‌های خودتنظیمی (مانند شروع مستقل فعالیت یا درخواست کمک) است.
 ۳. **یادداشت‌های میدانی:** یادداشت‌های روزانه برای ثبت مشاهدات غیررسمی و بازتاب‌های پژوهشگر در طول فرآیند آموزش تهیه می‌شود.

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) تحلیل می‌شوند. مراحل تحلیل به شرح زیر است:

۱. **آشنایی با داده‌ها:** مصاحبه‌ها و مشاهدات به صورت کامل پیاده‌سازی و بررسی می‌شوند.
۲. **کدگذاری اولیه:** داده‌ها به صورت دستی کدگذاری می‌شوند (کدگذاری باز) تا الگوهای اولیه شناسایی شوند (مانند «افزایش انگیزه» یا «چالش در تمرکز»).
۳. **دسته‌بندی مضامین:** کدها به مضامین فرعی و اصلی (مانند «تجربیات مثبت از آموزش بصری» یا «بهبود خودتنظیمی در مدیریت زمان») دسته‌بندی می‌شوند.
۴. **بازبینی و اصلاح مضامین:** مضامین با داده‌های خام مقایسه می‌شوند تا از انطباق آن‌ها اطمینان حاصل شود.
۵. **گزارش نهایی:** مضامین با استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم و توصیفات مشاهدات ارائه می‌شوند.

ملاحظات اخلاقی

- **رضایت‌نامه:** رضایت‌نامه کتبی از والدین یا سرپرستان قانونی دانش‌آموزان اخذ می‌شود. فرم رضایت‌نامه شامل توضیح اهداف پژوهش، اختیاری بودن مشارکت، و حق انصراف در هر زمان است.

داده‌ها محدود شده است. در پایان، نقشه مضامین برای نمایش ارتباط بین مضامین ارائه شده است.

مضامین اصلی و فرعی

مضمون اصلی ۱: افزایش انگیزه در یادگیری

این مضمون نشان‌دهنده تأثیر مثبت آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر انگیزه دانش‌آموزان است. سه مضمون فرعی در این بخش شناسایی شد:

مضمون فرعی ۱.۱: لذت بردن از فعالیت‌های متناسب با سبک یادگیری

دانش‌آموزان گزارش کردند که فعالیت‌های متناسب با سبک‌های یادگیری (مانند استفاده از تصاویر برای سبک بصری یا فعالیت‌های عملی برای سبک جنبشی) برایشان جذاب بوده است.

• **نقل‌قول (دانش‌آموز ۳، نارساخوانی):** «وقتی معلم با عکس و رنگ درس رو توضیح می‌داد، خیلی برام جالب بود. دوست داشتم هی نگاه کنم و یاد بگیرم.»

• **مشاهده:** در کلاس، دانش‌آموزانی که فعالیت‌های بصری دریافت کردند (مانند نمودارهای رنگی)، توجه بیشتری نشان دادند و کمتر حواسشان پرت شد.

مضمون فرعی ۱.۲: افزایش اعتمادبه‌نفس

دانش‌آموزان اظهار داشتند که موفقیت در فعالیت‌های متناسب با سبک یادگیری‌شان به آن‌ها احساس توانایی بیشتری داد.

• **نقل‌قول (دانش‌آموز ۷، اوتیسم):** «من همیشه فکر می‌کردم نمی‌تونم درس رو بفهمم، ولی وقتی با دستام چیزی درست کردم، حس کردم بلدم.»

• **مشاهده:** دانش‌آموزان با اختلال طیف اوتیسم در فعالیت‌های جنبشی (مانند ساخت مدل با خمیر) مشارکت فعال‌تری داشتند و کمتر نشانه‌های اضطراب نشان دادند.

مضمون فرعی ۱.۳: تمایل به ادامه یادگیری

دانش‌آموزان از تمایل به ادامه فعالیت‌های آموزشی مشابه در آینده صحبت کردند.

• **نقل‌قول (دانش‌آموز ۱۰، ناتوانی یادگیری):** «کاش همیشه این‌جوری درس بدن. من دیگه نمی‌ترسم که درس بخونم.»

• **مشاهده:** در جلسات پایانی برنامه آموزشی، دانش‌آموزان به‌طور خودجوش درخواست فعالیت‌های بیشتری کردند.

• مضمون اصلی ۲: بهبود مهارت‌های خودتنظیمی

این مضمون به تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر توانایی‌های خودتنظیمی دانش‌آموزان اشاره دارد. دو مضمون فرعی شناسایی شد:

مضمون فرعی ۲.۱: مدیریت بهتر زمان و وظایف

دانش‌آموزان گزارش کردند که فعالیت‌های ساختاریافته به آن‌ها کمک کرد تا وظایف خود را بهتر سازمان‌دهی کنند.

• **نقل‌قول (دانش‌آموز ۱، نارساخوانی):** «قبلاً نمی‌دونستم اول چی کار کنم، ولی حالا می‌دونم چطور کارام رو مرتب کنم.»

• **مشاهده:** در طول فعالیت‌های آموزشی، دانش‌آموزان با نارساخوانی از فهرست‌های تصویری برای پیگیری وظایف استفاده کردند و سرعت انجام تکالیفشان افزایش یافت.

مضمون فرعی ۲.۲: افزایش تمرکز و خودکنترلی

دانش‌آموزان اظهار داشتند که فعالیت‌های متناسب با سبک یادگیری به آن‌ها کمک کرد تا تمرکز بیشتری داشته باشند.

• **نقل‌قول (دانش‌آموز ۸، اوتیسم):** «وقتی با بازی درس می‌خوندم، دیگه حواسم پرت نمی‌شد. فقط به همون کار فکر می‌کردم.»

• **مشاهده:** دانش‌آموزان با اختلال طیف اوتیسم در فعالیت‌های جنبشی کمتر رفتارهای تکراری (مانند تکان دادن دست) نشان دادند و مدت طولانی‌تری روی تکلیف متمرکز ماندند.

مضمون اصلی ۳: چالش‌های تطبیق با سبک‌های یادگیری

این مضمون به مشکلات و موانع مرتبط با اجرای آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری اشاره دارد. دو مضمون فرعی شناسایی شد:

مضمون فرعی ۳.۱: دشواری در سازگاری اولیه

برخی دانش‌آموزان در ابتدا برای تطبیق با فعالیت‌های جدید مشکل داشتند.

• **نقل‌قول (دانش‌آموز ۵، نارساخوانی):** «اولش برام سخت بود که با شکل‌ها درس بخونم، چون عادت نداشتم.»

• **مشاهده:** در هفته‌های اول، برخی دانش‌آموزان مقاومت نشان دادند و ترجیح می‌دادند به روش‌های سنتی درس بخوانند.

مضمون فرعی ۳.۲: نیاز به حمایت بیشتر

دانش‌آموزان با نیازهای ویژه شدیدتر (مانند اوتیسم با شدت بالا) به حمایت بیشتری از معلم نیاز داشتند.

• **مشاهده:** دانش‌آموزان با اوتیسم در فعالیت‌های پیچیده‌تر (مانند پروژه‌های گروهی) به راهنمایی مستقیم معلم وابسته بودند.

• **نقل قول (دانش آموز ۹، اوتیسم):** «بعضی وقتا نمی‌فهمیدم چی کار کنم، ولی وقتی معلم بیشتر توضیح می‌داد، بهتر می‌شد.»

جدول ۱: سازمان‌دهی یافته‌ها

مضمون اصلی	مضمون فرعی	شواهد
افزایش انگیزه در یادگیری	لذت بردن از فعالیت‌های متناسب با سبک یادگیری	نقل قول دانش‌آموز ۳، مشاهده افزایش توجه در فعالیت‌های بصری
	افزایش اعتمادبه‌نفس	نقل قول دانش‌آموز ۷، مشاهده مشارکت فعال در فعالیت‌های جنبشی
	تمایل به ادامه یادگیری	نقل قول دانش‌آموز ۱۰، مشاهده درخواست فعالیت‌های بیشتر
بهبود مهارت‌های خودتنظیمی	مدیریت بهتر زمان و وظایف	نقل قول دانش‌آموز ۱، مشاهده استفاده از فهرست‌های تصویری
	افزایش تمرکز و خودکنترلی	نقل قول دانش‌آموز ۸، مشاهده کاهش رفتارهای تکراری در فعالیت‌های جنبشی
چالش‌های تطبیق با سبک‌های یادگیری	دشواری در سازگاری اولیه	نقل قول دانش‌آموز ۵، مشاهده مقاومت اولیه به فعالیت‌های جدید
	نیاز به حمایت بیشتر	نقل قول دانش‌آموز ۹، مشاهده وابستگی به راهنمایی معلم

می‌تواند انگیزه درونی را تقویت کند. به‌ویژه، دانش‌آموزان با نارساخوانی از فعالیت‌های بصری (مانند نمودارهای رنگی) و دانش‌آموزان با اوتیسم از فعالیت‌های جنبشی (مانند ساخت مدل) بیشترین بهره را بردند. این نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های یادگیری می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای افزایش انگیزه در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه عمل کنند، که این موضوع در مطالعات کمی پیشین کمتر بررسی شده بود.

بهبود مهارت‌های خودتنظیمی: یافته‌های مربوط به بهبود مهارت‌های خودتنظیمی با نظریه خودتنظیمی زیمرمن (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد که خودتنظیمی را فرآیندی سه‌مرحله‌ای (پیش‌اندیشی، اجرا، و خود-تأمل) تعریف می‌کند. دانش‌آموزان در این پژوهش گزارش کردند که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری به آن‌ها کمک کرد تا زمان و وظایف خود را بهتر مدیریت کنند و تمرکز بیشتری داشته باشند. این نتایج با مطالعه Johnson & Lee (2023) هم‌راستا است که نشان داد مداخلات آموزشی در محیط‌های فراگیر می‌توانند مهارت‌های خودتنظیمی را در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تقویت کنند. به‌طور خاص، استفاده از فهرست‌های تصویری برای دانش‌آموزان با نارساخوانی و فعالیت‌های ساختاریافته برای دانش‌آموزان با اوتیسم به بهبود مدیریت زمان و خودکنترلی کمک کرد. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی مداخلات آموزشی متناسب با نیازهای خاص هر گروه از دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

چالش‌های تطبیق با سبک‌های یادگیری: مضمون چالش‌های تطبیق با سبک‌های یادگیری نشان داد که برخی دانش‌آموزان، به‌ویژه آن‌هایی با نیازهای ویژه شدیدتر (مانند اوتیسم با شدت بالا)، در سازگاری اولیه با فعالیت‌های جدید مشکل داشتند و به حمایت بیشتری نیاز داشتند. این یافته با

یافته‌ها بر اساس داده‌های خام و بدون تفسیر ارائه شده‌اند تا اصالت تجربیات دانش‌آموزان حفظ شود. نقل‌قول‌های مستقیم و مشاهدات به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که نماینده تجربه‌های متنوع دانش‌آموزان با نیازهای ویژه (نارساخوانی، اوتیسم، و ناتوانی‌های یادگیری) باشند. جدول و نقشه مضامین برای سازمان‌دهی بهتر یافته‌ها و نمایش روابط بین مضامین استفاده شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

تفسیر یافته‌ها و مقایسه با پیشینه پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری تأثیر مثبتی بر انگیزه یادگیری و مهارت‌های خودتنظیمی دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه (نارساخوانی، اختلال طیف اوتیسم، و ناتوانی‌های یادگیری) دارد. سه مضمون اصلی شناسایی شد: افزایش انگیزه در یادگیری، بهبود مهارت‌های خودتنظیمی، و چالش‌های تطبیق با سبک‌های یادگیری. این یافته‌ها با پیشینه پژوهش هم‌خوانی دارند و در عین حال به دانش موجود در این حوزه اضافه می‌کنند.

افزایش انگیزه در یادگیری: مضمون افزایش انگیزه در یادگیری با مطالعات پیشین مانند Smith & Brown (2022) هم‌راستا است که نشان دادند آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری را افزایش می‌دهد. در این پژوهش، دانش‌آموزان گزارش کردند که فعالیت‌های متناسب با سبک‌های یادگیری (مانند فعالیت‌های بصری یا جنبشی) برایشان جذاب بوده و اعتمادبه‌نفس و تمایل به ادامه یادگیری را در آن‌ها تقویت کرده است. این یافته با مدل سبک‌های یادگیری کلب (Kolb, 1984) مطابقت دارد که تأکید می‌کند تطبیق آموزش با ترجیحات یادگیری دانش‌آموزان

جنبشی برای دانش‌آموزان با اوتیسم می‌تواند انگیزه و خودتنظیمی را تقویت کند.

۲. **برای سیاست‌گذاران آموزشی:** نظام آموزشی باید برنامه‌های آموزشی معلمان را برای آشنایی با سبک‌های یادگیری و استراتژی‌های خودتنظیمی تقویت کند. همچنین، تأمین منابع (مانند ابزارهای بصری و کمک‌آموزشی) برای مدارس ویژه ضروری است.

۳. **برای برنامه‌ریزان درسی:** دروس باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان انعطاف برای تطبیق با سبک‌های یادگیری مختلف را فراهم کنند. به عنوان مثال، دروس علوم می‌توانند شامل فعالیت‌های عملی و بصری باشند تا نیازهای متنوع دانش‌آموزان را پوشش دهند.

۴. **پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده**

۴. انجام پژوهش‌های کیفی با نمونه‌های بزرگ‌تر یا در زمینه‌های متنوع (مانند مدارس روستایی یا خصوصی) برای بررسی تعمیم‌پذیری یافته‌ها.

۴. بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر سایر مهارت‌های شناختی (مانند حل مسئله یا حافظه کاری) در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه.

۴. مطالعه طولی برای ارزیابی پایداری تأثیرات آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری بر خودتنظیمی در طول زمان.

۴. مقایسه اثربخشی سبک‌های یادگیری مختلف (بصری، شنیداری، جنبشی) در گروه‌های خاص نیازهای ویژه (مانند نارساخوانی در مقابل اوتیسم) برای شناسایی بهترین روش‌ها.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به سؤالات پژوهشی زیر پاسخ داد:

۱. **تجربیات دانش‌آموزان از آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری:** دانش‌آموزان این آموزش را جذاب و انگیزه‌بخش توصیف کردند و گزارش دادند که فعالیت‌های متناسب با سبک یادگیری‌شان (مانند فعالیت‌های بصری یا جنبشی) اعتمادبه‌نفس و تمایل به یادگیری را در آن‌ها افزایش داد.

۲. **تأثیر بر خودتنظیمی:** آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری به بهبود مدیریت زمان، تمرکز، و خودکنترلی در دانش‌آموزان کمک کرد، به ویژه از طریق ابزارهای ساختاریافته مانند فهرست‌های تصویری.

۳. **عوامل زمینه‌ای:** شدت نیاز ویژه و میزان حمایت معلم بر موفقیت این آموزش تأثیر داشت، به طوری که دانش‌آموزان با نیازهای شدیدتر به راهنمایی بیشتری نیاز داشتند.

مطالعه (Thompson & Davis, 2023)، هم‌خوانی دارد که نشان داد دانش‌آموزان با اوتیسم در محیط‌های آموزشی جدید به راهنمایی مداوم نیاز دارند. این پژوهش به دانش موجود اضافه می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که اگرچه آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری مؤثر است، اما موفقیت آن به عوامل زمینه‌ای مانند شدت نیاز ویژه و میزان حمایت معلم بستگی دارد. این پژوهش با تمرکز بر رویکرد کیفی و بررسی تجربیات زیسته دانش‌آموزان، شکاف پژوهشی شناسایی شده در پیشینه را پر می‌کند. برخلاف مطالعات کمی مانند (Dunn et al, 1995) که بر عملکرد تحصیلی تمرکز داشتند، این مطالعه به درک عمیق‌تر از ادراکات و تجربیات دانش‌آموزان پرداخته و نشان داده است که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری نه تنها انگیزه، بلکه خودتنظیمی را نیز بهبود می‌بخشد. این یافته‌ها به ویژه در زمینه دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، ارزشمند هستند.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش با وجود یافته‌های ارزشمند، دارای برخی محدودیت‌ها است. نخست، تعداد شرکت‌کنندگان (۱۲ دانش‌آموز) محدود بود که ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌ها را کاهش دهد. اگرچه این تعداد برای پژوهش کیفی و رسیدن به اشباع نظری مناسب بود. اما نمی‌توان نتایج را به طور کامل به تمام دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تعمیم داد. دوم، پژوهش در مدارس دولتی شهر پردنجان انجام شد که ممکن است نتایج را به زمینه‌های خاص شهری محدود کند. مدارس روستایی یا خصوصی ممکن است شرایط متفاوتی داشته باشند که بر نتایج تأثیر بگذارد. سوم، تنوع نیازهای ویژه (نارساخوانی، اوتیسم، و ناتوانی‌های یادگیری) اگرچه به غنای داده‌ها افزود، اما تحلیل را پیچیده‌تر کرد، زیرا نیازهای هر گروه متفاوت بود. در نهایت، تجربه پژوهشگر در تدریس به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه ممکن است بر تفسیر داده‌ها اثر گذاشته باشد، هرچند با استفاده از روش‌های سه‌سویه‌سازی و بازتاب‌پذیری تلاش شد تا سوگیری کاهش یابد.

پیامدهای عملی

یافته‌های این پژوهش پیامدهای عملی مهمی برای معلمان، سیاست‌گذاران آموزشی، و برنامه‌ریزان درسی دارد:

۱. **برای معلمان:** معلمان می‌توانند با شناسایی سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان (از طریق ابزارهایی مانند پرسشنامه کلب) فعالیت‌های آموزشی متناسب طراحی کنند. برای مثال، استفاده از ابزارهای بصری برای دانش‌آموزان با نارساخوانی و فعالیت‌های

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

فهرست منابع

- Felder, R. M. and Silverman, L. K. (1988). Learning and teaching styles in engineering education. *Engineering Education*, 78, 7. 674-681.
- Johnson, R., & Lee, M. (2023). Self-regulation strategies in inclusive education: A qualitative study on students with special needs. *International Journal of Inclusive Education*, 27(5), 620-635.
- Kolb, D. A., (1984). *Experiential learning: Experience as the source of learning and Development*, Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.
- Smith, J., & Brown, T. (2022). Exploring the impact of learning styles on academic engagement among students with learning disabilities. *Journal of Special Education*, 56(3), 145-160.
- Thompson, K., & Davis, P. (2023). Qualitative insights into self-regulation among students with autism spectrum disorder in inclusive settings. *Autism Research*, 16(4), 512-528.

این مطالعه نشان داد که آموزش مبتنی بر سبک‌های یادگیری می‌تواند ابزار مؤثری برای تقویت انگیزه و خودتنظیمی در دانش‌آموزان ابتدایی با نیازهای ویژه باشد. با این حال، موفقیت این روش به طراحی دقیق فعالیت‌ها و حمایت کافی از دانش‌آموزان بستگی دارد. این یافته‌ها به دانش موجود در زمینه آموزش ویژه افزوده و راه را برای تحقیقات آینده در این حوزه هموار می‌کند.

سپاس‌گزاری

از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش همکاری و حمایت کردند، صمیمانه سپاس‌گزارم. به‌ویژه از معلمان مدارس دولتی شهر پردنجان که با اختصاص زمان و ارائه امکانات آموزشی، اجرای برنامه آموزشی مبتنی بر سبک‌های یادگیری را ممکن ساختند، قدردانی می‌کنم. همچنین از والدین و سرپرستان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه که با رضایت و همکاری خود مشارکت فرزندانشان را در این پژوهش تسهیل کردند، تشکر ویژه دارم. از همکاران پژوهشگر که در فرآیند تحلیل داده‌ها و بازبینی یافته‌ها کمک کردند، نیز سپاس‌گزارم. در نهایت، از مدیریت مدرسه و کادر آموزشی که محیطی مناسب برای انجام این مطالعه فراهم آوردند، قدردانی می‌شود.

موازین اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.